

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آلیستر کروک –
فرستنده: عثمان حیدری
۰۵ جون ۲۰۲۴

آستانه انحلال: روان رنجوری در غرب با شکستن خاکریز



گفتمان تشدید تنش نظامی در اروپا مد است، اما سیاست غرب، هم در خاورمیانه و هم در اوکراین، در مشکلی عمیق قرار دارد.

تناقض در اینجاست که تیم بایدن – کاملاً ناخواسته – در حال کمک به زایش «دنیای جدیدی» است. در عین حال این کار را با مخالفت شدید خود با چنین زایشی انجام می‌دهد. هرچه نخبگان غربی با سرکوب مخالفان، برای «نجات صیهونیسم»، نجات اوکراین اروپائی»، بیشتر فشار بیاورند، به طرز عجیبی، فروپاشی لویاتان* را سرعت می‌بخشند.

آغوش‌کشی مضاعف در خداحافظی رئیس جمهور شی جین‌پینگ با پرزیدنت پوتین پس از اجلاس سران در ۱۶ و ۱۷ ماه می، مَه‌ری بود بر این زایش – حتی نیویورک تایمز، با خودبینی معمول، آغوش‌کشی گرم شی را «سرپیچی از غرب» نامید.

ریشه انحلال قریب‌الوقوع دقیقاً در همان کاستی نهفته است که نیترو نیویورک تایمز در برچسب تحقیرآمیز خود از تغییر بزرگ و ناگهانی به‌عنوان ضد غرب‌گرایی اساسی به‌تصویر می‌کشد. این کوتاه‌بینی نشان‌دهنده عدم تمایل به دیدن یا شنیدن چیزی است که به‌وضوح در مقابل چشمان شما قرار دارد: اگر صرفاً «ضد‌غرب» بود – چیزی بیش از نفی نفی – آنگاه انتقاد تا حدودی موجه می‌نمود. با این حال، این یک تضاد صرف نیست. در عوض، بیانیه مشترک نزدیک به

۸۰۰۰ کلمه‌ی چین و روسیه، با تشریح غصب اصول بنیادین انسانیت، قوانین اساسی خود طبیعت را تداعی و واقعیت نظم غرب را به تصویر می‌کشد - نقدی که غرب جمعی را خشمگین می‌کند.

دیوید بروکس، نویسنده آمریکایی که اصطلاح «نخبگان شهری (BoBos)» را برای ترسیم ظهور بیداری ابداع کرد، اکنون مدعی است که «لیبرالیسم» (معنای امروز آن هرچه باشد) «بیمار» و در حال عقب‌نشینی است. سبک کلاسیک «لیبرال» بر پایه‌ای از تعهدات و وظایف اخلاقی استوار است که مقدم بر انتخاب هستند - وظایف ما در قبال خانواده‌ها، جوامع و ملت‌هایمان، در قبال اجداد و فرزندانمان، در برابر خدا یا مجموعه‌ای از حقایق متعالی.

بروکس می‌گوید که او معمولاً ملایم و بی‌تخیل است. از سؤالات بزرگی مانند: چرا اینجا هستیم اجتناب می‌کند؟ فایده این همه چیست؟ در عوض، او فضایل ملایم مدنی مانند مهربانی و نجابت را ترویج می‌دهد - اما نه همان‌طور که لوفور برخی از فضایل عالی مانند شجاعت، وفاداری، تقوا و عشق فداکارانه را ترویج می‌کند.

برای روشن شدن موضوع، بروکس در مقاله‌ای جداگانه استدلال می‌کند که لیبرالیسم ناب با تأکید بسیار بر انتخاب فردی، پیوندهای اجتماعی را تضعیف می‌کند: در یک اخلاق کاملاً لیبرال، پشت هر رابطه‌ای یک سؤال نامرئی نهفته است: آیا این شخص برای من خوب است؟ هر ارتباط اجتماعی موقتی و اقتضائی می‌شود. هنگامی که جوامع کاملاً لیبرال می‌شوند، (به‌نقل از بروکس) از حقیقت اصلی ویکتور فرانکل که «جست‌وجوی انسان برای معنا انگیزه اصلی زندگی او است» غافل می‌شوند.

بنابراین، بیانیه مشترک شی و پوتین فقط یک برنامه کاری دقیق برای آینده بریکس نیست (اگرچه در واقع یک برنامه کاری بسیار جامع برای اجلاس بریکس در اکتوبر است). در عوض، روسیه و چین چشم‌اندازی پویا از اصول ملموس را به‌عنوان پایه‌هایی برای یک جامعه جدید در آینده پساغربی مطرح کرده‌اند.

روسیه و چین با بازی مستقیم با منابع اولیه معنایی که عمیق‌تر از ترجیحات فردی هستند - ایمان، خانواده، خاک، و پرچم - قطعات اصلی را برداشته و میراث جنبش غیرمتعهدهای باندونگ را با تأکید بر ترویج حق خودمختاری ملی و پایان دادن به قرن‌ها نظام استثمار ادامه داده‌اند.

اما چگونه و چرا می‌توان گفت که غرب در حال تسریع زوال خود است؟

نیویورک تایمز برای «چرائی» آن سرنخ را می‌دهد: وسواس قدیمی «انگلو ساکسون» با روسیه سرکش که غرب هرگز نتوانسته است اراده آنان را حرمت گذارد و اکنون، روسیه و چین بیانیه مشترکی را امضاء کرده‌اند که تا حدودی شبیه به دوستی «بدون مرز» اعلام شده در فیروزی ۲۰۲۲، اما فراتر از آن است. و روابط آن‌ها را «برتر از اتحاد‌های سیاسی و نظامی دوران جنگ سرد» نشان می‌دهد. دوستی بین دو کشور هیچ محدودیتی ندارد، هیچ زمینه‌ای برای «ممنوعیت» همکاری وجود ندارد.

به بیان صریح، این بیانیه قانون قدیمی مثلث‌سازی غربی را نقض می‌کند: ایالات متحده باید با یکی، روسیه یا چین، در برابر آن دیگری بایستد. اما هرگز نباید به چین و روسیه اجازه داده شود در مقابل ایالات متحده متحد شوند! - دکترینی که از زمان مکیندر در قرن نوزدهم در «قانون شرعی» غرب مقدس شده است. یا دقیق‌تر، این «دو در مقابل یک» دقیقاً همان کاری است که تیم بایدن سهواً «انجام داد».

پس «چگونه» چه چیزی است؟

مشکل راه های حل غربی برای هر مشکل ژئوپلیتیک این است که آن‌ها ناگزیر شامل موارد مشابه هستند. ترکیبی از این تحقیر عمیق نسبت به روسیه – که با ترس پنهان از روسیه به‌عنوان یک رقیب احتمالی ژئواستراتژیک – از غرب دعوت می‌کند تا همان رویکرد مثلث‌سازی را بدون توجه به تغییر یا عدم تغییر شرایط تکرار کند. این مورد در اینجا و اکنون – ایجاد یک خطر «روشن و فعلی» تشدید ناخواسته و مخرب است؛ چشم‌اندازی که می‌تواند منجر به همان چیزی شود که غرب بیش از همه از آن می‌ترسد – یعنی از دست دادن کنترولی که سیستم را به‌سمت سقوط آزاد می‌فرستد.

خطا:

ری مک‌گاورن، گزارشگر سابق رئیس جمهور ایالات متحده، شرح داده است که چگونه «زمانی که بایدن در سال ۲۰۲۱ به‌قدرت رسید، مشاورانش به او اطمینان دادند که می‌تواند با ترس روسیه، از چین سوء استفاده – و بین آن‌ها شکاف ایجاد کند. این «مادر همه خطاها» در قضاوت را نشان می‌دهد، زیرا شرایطی را به‌وجود می‌آورد که در آن «نظم» غربی می‌تواند سقوط کند.»

این [قرض ضعف روسیه] زمانی به‌طرزی شرم آور آشکار شد که بایدن در خلال اجلاس سران در ژنیو به پوتین گفت، ... اجازه دهید یک سؤال بپرسم: «شما مرزی چند هزار مایلی با چین دارید. هدف چین تبدیل شدن به قدرتمندترین اقتصاد جهان و بزرگترین و قدرتمندترین ارتش جهان است؟» مک‌گاورن خاطر نشان می‌کند که این دیدار به‌وضوح برای پوتین ثابت شد که بایدن و مشاورانش در مورد روابط روسیه و چین در ارزیابی بسیار منسوخ شده‌ای گیر افتاده‌اند.

نحوه عجیب توصیف بایدن از برخورد خود با پوتین در مورد چین چنین است: در فرودگاه پس از اجلاس، دستیاران بایدن تمام تلاش خود را به‌کار بردند تا او را به داخل هواپیما برسانند، اما نتوانستند او را از به‌اشتراک گذاشتن «خرد» بیشتر در مورد چین بازدارند: «روسیه در حال حاضر در شرایط بسیار سختی قرار دارد. تحت فشار چین است.»

«بله»: خیلی بیش از این! بایدن به توصیه کارشناسانش به‌دنبال ایجاد «شکاف» غربی بین روسیه و چین «بزرگ» بود.

پس از این اظهارات، پوتین و شی بقیه سال ۲۰۲۱ را طوری سپری کردند تا بایدن را از اشتباه مضحکه «فشار چین» درآوردند: این تلاش مشترک در اجلاس دوستی «بدون مرز» شی و پوتین در سال جاری به اوج خود رسید. با این حال، اگر مشاوران کمی توجه نشان می‌دادند، تاریخ طولانی نزدیکی روسیه و چین را دنبال می‌کردند. اما نه، آنها از نظر ایدئولوژیک در این دیدگاه، که مقدر شده بود این دو دشمن ابدی باشند، منجمد شده بودند.

مرکب شدن خطا حتی بدتر می‌شود:

سپس، در یک صحبت تلفونی در ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، بایدن به پوتین اطمینان داد که «واشنگتن هیچ قصدی برای استقرار تسلیحات تهاجمی در اوکراین ندارد». با این حال، لاوروف، وزیر امور خارجه فاش کرده است که وقتی در جنوری ۲۰۲۲ با بلینکن در ژنیو ملاقات کرد، وزیر امور خارجه امریکا چنین وانمود کرد که در مورد تعهد بایدن به پوتین در ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ چیزی نشنیده است. در عوض، بلینکن اصرار داشت که راکت‌های میان‌برد ایالات متحده می‌توانند در اوکراین مستقر شوند و ایالات متحده ممکن است مایل باشد تعداد آنها را محدود کند.

ترکیب یک اشتباه فاحش

در اگست ۲۰۱۹، زمانی که ایالات متحده از معاهده ممنوعیت راکت‌های میان‌برد در اروپا خارج شد، ایالات متحده قبلاً راکت‌هایی را در رومانی و پولند مستقر کرده بود (با این توجیه که هدف آنها ظاهراً «دفاع در برابر ایران» است). با این حال، سکوی نصب‌شده عمداً برای قرار دادن راکت‌های مجهز به کلاهک هسته‌ای، کروز و راکت‌های بالستیک پیکربندی شده‌اند. اما مشکل اینجاست: نمی‌توان تعیین کرد که در کدام‌ها راکت بارگذاری شده‌اند، زیرا دارای درپوش هستند. زمان رسیدن این راکت‌ها از پولند به مسکو ۹ دقیقه و از رومانی ۱۰ دقیقه خواهد بود. اما اگر همان‌طور که بلینکن تهدید کرده بود، راکت‌هایی در اوکراین نصب می‌شد، زمان فقط به ۷ دقیقه کاهش می‌یافت (و اگر راکت مافوق‌صوت باشد، که ایالات متحده هنوز آن را در اختیار ندارد، فقط ۲ - ۳ دقیقه طول می‌کشد). فقط برای روشن شدن: این (یعنی جنگ اوکراین) جنگ وجودی روسیه است که به هر قیمتی که می‌خواهد باشد، به مبارزه ادامه خواهد داد. بیجینگ کاملاً از مخاطرات بالای روسیه (و در نهایت برای چین نیز) آگاه است.

پیامدهای تکیه مجدد بر تاکتیک‌های یکسان و تهدیدها و فشارهای «دوباره و دوباره»

همان‌طور که بهادر کومار اشاره می‌کند، لاوروف در ۱۸ می در مسکو، در جریان اجلاس اخیر شی و پوتین، افزایش فروش تسلیحات غربی به اوکراین را پیش‌بینی کرد. این امر نهنها نشان‌دهنده نیاز به مبارزات انتخاباتی بایده به‌عنوان کسی است «در مقابل روسیه می‌ایستد»، بلکه همچنین نشان‌دهنده این واقعیت است که «مرحله حاد رویارویی نظامی - سیاسی با غرب» با «نوسان کامل» ادامه خواهد یافت. به‌گفته لاوروف، روندهای فکری غرب به‌نحوی خطرناک به‌سمت «تشکیل اتحاد نظامی اروپائی - با مؤلفه هسته‌ای» می‌رود. لاوروف ابراز تأسف کرد که «آنها رویارویی در میدان جنگ را انتخاب کرده‌اند: ما برای آن آماده‌ایم.» قصد تحمیل یک شکست نظامی و دیگر شکست‌های ستراتیژیک به روسیه یک خیال‌پردازی محض است و قاطعانه با آن مقابله خواهد شد.

نارسائی نظامی اروپا احتمالاً مفهوم مطرح شده برای افزودن یک جز هسته‌ای را توضیح می‌دهد

به بیان ساده، با ناتوانی ایالات متحده برای کنار گذاشتن یا تعدیل عزم خود برای حفظ هژمونی، لاوروف چشم‌انداز افزایش عرضه تسلیحات غربی به اوکراین را می‌بیند. گفتمان تشدید نظامی در اروپا مُد روز است (در این شکی نیست). اما سیاست غرب، هم در خاورمیانه و هم در اوکراین، دچار مشکل بزرگی است. باید تردید داشت که آیا غرب اراده سیاسی و یا وحدت داخلی برای ادامه این مسیر تهاجمی را دارد یا خیر. زمانی که مبارزات انتخاباتی به اوج خود می‌رسد، به‌طور سنتی تصور نمی‌شود که سیاست‌های جنگ‌افروزانه «برای رأی‌دهندگان خوشایند» باشد.

* (انجیل) لویاتان، جانور بزرگ بحری که در کتاب عهد عتیق از آن نام برده شده است.

منبع: بنیاد فرهنگ استراتژیک، ۲۷ مه ۲۰۲۴

[The Brink of Dissolution: Neurosis in the West as the Levee Breaks – FREEDOMBUNKER](https://www.freedombunker.com/the-brink-of-dissolution-neurosis-in-the-west-as-the-levee-breaks)